

تنظیم شرط حل و فصل اختلاف در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز

فریده شعبانی جهرمی^۱، دانشگاه خوارزمی ■ فرید شعبانی جهرمی^۲، دانشگاه تهران

چکیده

تنظیم شروط حل و فصل اختلافات در موفقیت سازوکار انتخابی به‌ویژه داوری نقشی اساسی دارد. بدون شرط معتبر و شفاف، داوری تحقق نیافته یا موفقیت آمیز نخواهد بود. با وجود این امر در عمل توجه کمی به تنظیم این شرط می‌شود. اصولاً شروط داوری بدون مذاکره یا در نظر گرفتن نیازهای طرفین در قراردادهای گنجانده می‌شوند. شروط ناقص و مبهم نه تنها در حل و فصل اختلافات کمکی به طرفین نمی‌کنند بلکه منجر به طولانی شدن اختلافات و روند اجرای آرا می‌شوند. داوری‌های حوزه‌ی نفت و گاز نیز از این قاعده مستثنا نیست. امروزه داوری‌های این حوزه در حال گسترش بوده و طرفین این قراردادها با توجه به ماهیت فنی آنها و عرف‌های حاکم بر صنعت نفت و گاز تمایل دارند اختلافات احتمالی خود را از طریق داوری حل و فصل کنند. با توجه به پیچیدگی قراردادهای منعقد در نفت و گاز و حجم زیاد اختلافات این حوزه، تنظیم شفاف شرط داوری و توجه به جنبه‌های مختلف به طرفین این قراردادها در حل و فصل اختلافات قراردادی کمک می‌کند.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال نویسنده: ۹۷/۰۴/۰۵

تاریخ ارسال به داور: ۹۷/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش داور: ۹۷/۰۶/۲۲

واژگان کلیدی:

شرط داوری، مصونیت، فرآیند داوری، مقر داوری، قانون ماهوی

مقدمه

قضایی محلی خارج کرده و اختلافشان را جهت حل و فصل به مرجعی بی‌طرف واگذار کنند. داوری با توافق طرفین در قالب اشکال مختلف آغاز می‌شود. توافق ممکن است در زمان تنظیم قرارداد به شکل شرط داوری یا در قالب موافقت‌نامه‌ی داوری انجام شود. علاوه بر این طرفین می‌توانند در زمان بروز اختلاف نیز در خصوص ارجاع اختلاف به داوری توافق کنند. تنظیم شرط یا موافقت‌نامه‌ی داوری نیاز به دقت و توجه فراوان دارد. در واقع این شرط به منزله‌ی قانون خصوصی است که بر اختلافات طرفین در خصوص موضوع قرارداد اصلی حاکم است. تصمیمات طرفین در خصوص شرط داوری بر مسائلی از قبیل پیچیدگی روند داوری، هزینه‌ی حل و فصل اختلافات و نهایی بودن رأی داوری اثر می‌گذارد [۱۰]. به‌طور کلی این موضوع باید در نظر گرفته شود که اغلب مزایایی که برای داوری پیش‌بینی می‌شود از قبیل سرعت، مزایای مالی و ... هنگامی متصور خواهند بود که شرط داوری دقیق تنظیم شده باشد [۱۲]. سؤالی که مطرح می‌شود اینست که چه مسائلی باید در شرط داوری پیش‌بینی گردد و در صورت درج نشدن آنها چه خطراتی طرفین داوری را تهدید می‌کند. این مقاله درصدد بررسی مهم‌ترین نکاتی است که باید در تنظیم موافقت‌نامه‌های داوری بین‌المللی به‌ویژه در قراردادهای منعقد در حوزه‌ی نفت و گاز در نظر گرفته شوند.

۱- توافق ارجاع اختلاف به داوری

هنگامی که طرفین قرارداد نفتی بدون هر گونه ابهامی توافق

داوری به‌عنوان یکی از سازوکارهای حل و فصل اختلافات، در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌ی انرژی با استقبال روبه‌رو شده است. حوزه‌ی انرژی به‌دلیل تعداد و ارزش اختلافات و پیچیدگی آنها از جمله مهم‌ترین بخش‌ها در داوری بین‌المللی است. این حوزه در داوری بین‌المللی در حال رشد بوده؛ به‌نحوی که حجم اختلافات بخش انرژی که توسط انجمن داوران آمریکا^۱ رسیدگی شده از ۶۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۸ به ۳۶۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است [۱۸]. همچنین ۲۲ درصد از دعاوی مطروحه در سال ۲۰۱۰ نزد دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^۲ و ۲۵ درصد از پرونده‌های مطروحه در سال ۲۰۱۳ نزد مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (اکسید)^۴ در حوزه‌ی انرژی بوده است [۱۹]. عوامل مختلفی باعث رشد این بخش شده که از جمله‌ی آنها می‌توان به ماهیت فنی قراردادهای حوزه‌ی نفت و گاز و آزادی طرفین در انتخاب داور(ان) ذی‌صلاح و آشنا به مباحث فنی، ارزش فراوان ادعاهای مالی این دسته از قراردادها و افزایش اختلافات اشاره کرد. از سوی دیگر پیشرفت فن‌آوری‌های مورد استفاده در صنعت نفت و گاز، نوسانات بازار و افزایش توجه عمومی به این بخش به دلایل زیست‌محیطی و ... در تسریع این روند نقشی مؤثر داشته است. این عوامل باعث انجام اقداماتی سودمند از جمله ایجاد معاهده‌ی منشور انرژی و مرکز بین‌المللی داوری انرژی در اسکاتلند^۵ شده است. داوری بین‌المللی به طرفین اجازه می‌دهد که خود را از سیستم

* نویسنده‌ی عهد ه‌دار مکاتبات (fariidehshabani@gmail.com)

آنسیترال، انجمن داوری آمریکا، اتاق بازرگانی بین‌المللی، دادگاه داوری بین‌المللی لندن^۸ متضمن شروط داوری موسع هستند. این قواعد جنبه‌های مختلف قراردادها از قبیل اجرا، اعتبار و نقض را پوشش می‌دهند.

اگر طرفین تصمیم داشته باشند تنها اختلافات مشخصی را به داوری ارجاع دهند باید قصد خود را مبنی بر محدود کردن قلمرو موافقت‌نامه به اختلافات مشخص بیان کنند. ابهام شرط داوری منجر به ایجاد اختلاف بین طرفین در خصوص قلمرو داوری و در نتیجه ایجاد اختلال در روند داوری خواهد شد.

۳- داوری موردی یا سازمانی

از جمله موضوعاتی که باید در تنظیم شرط داوری مدنظر قرار گیرد انتخاب داوری موردی^۹ و داوری سازمانی^{۱۰} است. در زمان تنظیم شرط داوری ضروری است طرفین تصمیم‌گیری کنند که به خدمات سازمان‌های داوری تمایل دارند یا خواهان داوری موردی هستند. از این‌رو موضوع باید توسط طرفین در نظر گرفته شود؛ چراکه تغییر داوری از موردی به سازمانی یا بالعکس بسیار مشکل است.

در داوری موردی، طرفین، دیوان داوری ویژه‌ای برای رسیدگی به اختلافات خود تأسیس می‌کنند و این دیوان پس از اتمام رسیدگی و صدور رأی از بین می‌رود [۷]. در این نوع داوری جریان داوری بدون مدیریت سازمان‌ها هدایت می‌شود و بنابراین برای جلوگیری از بروز هر گونه مشکل در روند داوری باید طرفین چگونگی اجرای تمامی مراحل داوری را از آغاز تا صدور رأی پیش‌بینی کنند. به عبارت دیگر طرفین یا قواعد شکلی مربوط به مراحل مختلف رسیدگی خود را طراحی و تدوین می‌کنند یا از قواعد داوری‌های موجود عاریه می‌گیرند. مثلاً در صورت انتخاب قواعد آنسیترال یا قانون ملی به‌عنوان قواعد مورد توافق طرفین، این قواعد، مقررات مورد نیاز جهت مدیریت و اجرای مراحل داوری را پیش‌بینی می‌کنند [۹].

در داوری سازمانی طرفین از کمک‌ها و خدمات یک سازمان داوری استفاده می‌کنند. که پس از رسیدگی به اختلاف از بین نخواهد رفت [۷]. در این نوع داوری، سازمان منتخب طرفین، قواعد آئینی دارد که و تمامی روند داوری از ابتدا تا انتها بر اساس آن قواعد مدیریت می‌شوند. این مقررات جریان داوری را برای طرفین و داوران تسهیل می‌کنند. اصولاً مقررات سازمان‌های داوری دربرگیرنده‌ی موضوعاتی از قبیل انتخاب

کرده باشند که اختلافات در روابطشان را از طریق داوری حل و فصل کنند طیف وسیعی از نظام‌های حقوقی پیشرفته به این توافق احترام خواهند گذاشت. شرط حل و فصل اختلافات قراردادی از طریق داوری باید متضمن بیان صریح طرفین جهت حل و فصل اختلافات فی‌مابین از طریق داوری باشد. از آنجا که توافق حل و فصل اختلاف از طریق داوری به‌عنوان سنگ بنای داوری محسوب شده و داوران نیز صلاحیت خود را از این توافق کسب می‌کنند شرط داوری باید با صراحت و حداقل ابهام به این موضوع دلالت کند. طرفین با تنظیم شرط یا موافقت‌نامه‌ی داوری عدم تمایل خود را مبنی بر ارجاع اختلاف به دادگاه‌های محلی بیان می‌کنند. موافقت‌نامه‌ی ارجاع اختلاف به داوری مقرر می‌کند که هرگونه اختلاف یا ادعای ناشی یا مرتبط با قرارداد در نهایت باید توسط داوری حل و فصل شود.

۲- قلمرو شرط داوری

قلمرو شرط داوری با رضایت طرفین تعیین می‌شود. بنابراین طرفین می‌توانند شرط داوری را به‌صورت موسع^{۱۱} یا مضیق^{۱۲} منعقد کنند. ضروری است هنگام تنظیم شرط داوری طرفین در خصوص شمول شرط داوری بر تمامی جنبه‌های مرتبط با قرارداد یا جنبه‌های خاصی از رابطه قراردادی‌شان تصمیم‌گیری کنند. در صورت فقدان ملاحظات خاص برای تنظیم شرط مضیق، شرط موسع مرجح است. در تنظیم این شرط برای شناسایی ارتباط بین اختلاف و قرارداد از عباراتی مثل "حاصل از"، "ناشی از"، "در ارتباط با" یا "مرتبط با" و ... استفاده می‌شود [۲۰]. ممکن است عبارات گسترده‌تر امکان رسیدگی به موافقت‌نامه‌های جنبی مرتبط با قرارداد اصلی را نیز برای مرجع داوری فراهم کند. عبارات مضیق منجر به خارج شدن برخی اختلافات از قلمرو داوری می‌شود. مثلاً اختلاف مسئولیت مدنی یا سایر شروط غیرقراردادی در حیطه‌ی داوری قرار نگرفته و با شرط داوری پوشش داده نمی‌شوند [۲۱]. این موضوع سبب خواهد شد که طرفین از یک‌سو در روند داوری شرکت کرده و از سوی دیگر به مراجع قضایی مراجعه کنند. بنابراین، شرط داوری باید به‌نحوی تنظیم شود که از طریق آن اختلافات ناشی یا مرتبط با قرارداد، مشتمل بر هر موضوعی مرتبط با وجود، اعتبار یا خاتمه قرارداد پوشش داده شود. این موضوع به طرفین کمک می‌کند که تمامی اختلافات فی‌مابین و ادعاهای متقابل در یک داوری رسیدگی شود. مقررات داوری

داوری نمی‌تواند در خلأ انجام گردد [۲۲]. بهتر است داوری در کشوری بی‌طرف که نظام حقوقی تکامل یافته‌ای دارد برگزار شود. کشوری که دادگاه‌های آن اختیارات موسعی برای دخالت در روند رسیدگی دارند نباید به‌عنوان مقرر داوری انتخاب شود. رایج‌ترین محل‌های داوری، قوانین داوری پیشرفته‌ای دارند و دادگاه‌های آنها در مسائل داوری تجربه‌ی بین‌المللی دارند. علاوه بر این موارد، عوامل غیرحقوقی مانند وجود امکانات حمل و نقل، اسکان، امکانات ارتباطی و... در انتخاب مقرر داوری تأثیرگذارند.

از جمله مهم‌ترین نکات در انتخاب مقرر داوری، عضویت کشور مقرر داوری در کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص شناسایی و اجرای آراء داوری بین‌المللی^{۱۲} است که به‌عنوان کنوانسیون نیویورک شناخته می‌شود. این کنوانسیون با ۱۵۴ عضو اجرای آراء داوری را تضمین کرده است. کنوانسیون نیویورک چارچوبی برای دادگاه‌های ملی کشورهای عضو فراهم می‌کند تا موافقت نامه و آراء داوری را بررسی، شناسایی و اجرا کنند؛ مگر اینکه شرط داوری باطل یا غیرقابل اجرا باشد یا رأی داوری صادره محدودیت‌های مندرج در کنوانسیون داشته باشد.

به دلایل حقوقی یا عملی از قبیل وجود مدارک و ادله‌ی استنادی یا حضور شهود در کشور دیگر ممکن است استماع در مقرر داوری انجام نشود. در این مورد باید مقرر داوری از محل استماع دعوا متمایز شود. بنابراین طرفین می‌توانند توافق کنند که استماع در کشوری غیر از مقرر داوری برگزار گردد.

در بررسی مقرر داوری باید بین موضوع ابطال رأی داوری و اجرا یا عدم اجرای رأی داوری تمایز قائل شد. تنها دادگاه‌های صالح مقرر داوری می‌توانند اقدام به ابطال رأی کنند. با وجود این طرف مقابل می‌تواند تقاضای اجرای رأی داوری را ارائه کند. قانون مقرر داوری و قانونی آئینی منتخب طرفین می‌توانند به موضوع ابطال رأی بپردازند. سایر قوانین تنها صلاحیت فرعی تعیین قابلیت اجرایی رأی در قلمرو خود را دارند. بر مبنای این اصل کنوانسیون نیویورک محدودیت‌های اساسی و زمینه‌هایی را بیان کرده که طبق آن دادگاه‌های اعضای متعهد می‌توانند از شناسایی و اجرای آراء تحت کنوانسیون خودداری کنند (ماده‌ی ۵). بطلان رأی توسط کشور مقرر داوری یا کشوری که قانون آن بر داوری حاکم بوده از جمله مواردی است که دادگاه‌ها قادرند رأی خارجی را اجرا نکنند. این موضوع لزوماً

داوران، استماع دعوا، نحوه‌ی اداره‌ی جریان داوری، وصول هزینه‌ها از جمله حق‌الزحمه‌ی داوران و ... هستند. همچنین سازمان‌های داوری از تجربه و دانش لازم جهت استفاده از داوران متخصص و هدایت روند دادرسی برخوردارند. قواعد این سازمان‌ها در برگیرنده‌ی موقعیت‌هایی هستند که احتمال دارد طرفین در روند دادرسی با آنها مواجه شوند. باید توجه داشت که برخی از سازمان‌های داوری مثل انجمن داوری آمریکا مجموعه‌ی مختلفی از قواعد داوری دارند که در زمان انتخاب این دسته از سازمان‌ها باید به مجموعه قواعد مورد توافق طرفین نیز اشاره شود.

علاوه بر این، در تعیین سازمان داوری باید دقت شود که سازمان موجود باشد و نام سازمان منتخب به‌صورت صحیح در موافقت‌نامه‌ی داوری ذکر گردد. امروزه سازمان‌های داوری مختلفی در سطح جهانی و منطقه‌ای خدمات ارائه می‌کنند. از آنجا که تفاوت شگرفی بین سازمان‌های داوری مختلف وجود دارد در انتخاب سازمان داوری باید تعداد و نحوه‌ی انتخاب داوران، هزینه‌های داوری و... بررسی شده و پس از آن طرفین سازمان را انتخاب کنند. در این قبیل موارد بهتر است طرفین از شرط پیشنهادی سازمان داوری منتخب استفاده کنند.

شرط داوری نباید رژیم‌های داوری موردی و سازمانی را با هم ترکیب کند زیرا قواعد داوری موردی و قواعد سازمان‌های داوری هماهنگ نیستند. مثلاً قوانینی که برای داوری توسط یک سازمان خاص شکل گرفته‌اند نمی‌توانند جدا از سازمان خود به‌عنوان آئین موردی به‌کار روند. همچنین سازمان‌های داوری تمایلی به استفاده از قوانین سایر سازمان‌ها ندارند. بدیهی است درج شروط ترکیبی، دیوان داوری را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌کند.

۴- مقرر داوری

انتخاب محل یا مقرر داوری^{۱۱} از موضوعات اساسی در تنظیم شرط (موافقت‌نامه) داوری است. مقرر داوری می‌تواند بر قانون حاکم بر داوری اثرگذار باشد. به‌عنوان قاعده‌ای کلی، قانون مقرر داوری، چارچوب شناسایی و اجرای موافقت‌نامه و آراء داوری بوده و در اغلب کشورها مقرر داوری تابعیت رأی را تعیین می‌کند و با اجرای رأی ارتباط مستقیم دارد. بنابراین هنگام تنظیم شرط باید طرفین قوانین مقرر را که در داوری مؤثر بوده بررسی کنند. تأثیر مقرر داوری نباید دست‌کم گرفته شود زیرا

به معنای عدم اجرای رأی در سایر کشورها نیست. دادگاه‌های بسیاری از کشورها آراء داوری را که در مقر داوری باطل شده‌اند شناسایی و اجرا کرده‌اند.

۵- تعداد، شیوهی انتخاب و ویژگی‌های داوران

در هر سیستم قانونی عامل انسانی به نام قاضی وجود دارد که اختلافات جهت حل و فصل به او واگذار می‌شود در این موارد طرفین در انتخاب قاضی نقشی نداشته و انتخاب قضات تنها مطابق موازین قانونی و بر اساس تجربیات و تخصص آنها انجام می‌شود. در حالی که در داوری، موضوع انتخاب داوران تنها به طرفین اختلاف وابسته است. با توجه به تأثیر مستقیم داوران بر نتیجه‌ی داوری، انتخاب آنها مهم‌ترین تصمیمی است که در زمان تنظیم شرط داوری توسط طرفین اتخاذ می‌شود. سؤال اصلی در این زمینه آنست که باید چند نفر داور روند داوری را هدایت کنند. اصولاً طرفین قراردادهای زمان تنظیم موافقت‌نامه‌های داوری، در خصوص تعداد داوران نیز توافق می‌کنند. قواعد مختلف داوری مقرراتی کارآمد جهت انتصاب و تعیین داوران دارند.

شیوهی انتخاب داوران توسط سازمان‌ها و قوانین متفاوت است. برای جلوگیری از بن‌بست و همچنین رعایت الزامات برخی کشورها بهتر است بر فرد بودن تعداد داوران توافق شود (طبق ماده‌ی ۱۰- قانون داوری و سازش هند طرفین آزاد هستند که تعداد داوران را تعیین کنند مشروط به اینکه تعداد آنها زوج نباشد). امروزه تعداد داوران به ندرت غیر از یک یا سه داور است. برای تصمیم‌گیری در خصوص تعداد داوران طرفین باید ماهیت قرارداد، نوع و مقدار اختلافی که ممکن است از قرارداد ناشی شود را در نظر گیرند. اگر اختلاف ارزش فراوانی داشته باشد یا مسائل پیچیده‌ای را دربرگیرد انتخاب داور منفرد مناسب نخواهد بود. علاوه بر این، انتخاب سه داور این مزیت را دارد که هر یک از طرفین نسبت به این موضوع که موقعیتش در روند دادرسی مورد توجه قرار می‌گیرد اطمینان می‌یابد؛ زیرا در پرونده‌هایی که طرفین آن پیشینه‌ی فرهنگی و حقوقی مختلفی دارند توقعات متفاوتی از روند داوری وجود دارد. با وجود این، دیوان داوری متشکل از سه داور منجر به سه برابر شدن هزینه‌ی داوری و افزایش تأخیرات می‌شود.

تعداد داوران ممکن است ثابت باشد یا اجازه داده شود که پس از بروز اختلاف و با توجه به مبلغ اختلاف یا سایر مسائل

حقوقی تعیین گردد. [۲۳]. مثلاً در شرطی که جهت داوری از طریق اتاق بازرگانی بین‌المللی تنظیم شده طرفین توافق کرده‌اند زمانی که ادعاهای متقابل طرفین با در نظر گرفتن سود و هزینه‌ها به ده میلیون دلار آمریکا یا بیشتر بالغ شود موضوع از طریق سه داور رسیدگی خواهد شد. در غیر این صورت اختلاف توسط یک داور رسیدگی خواهد شد. انتخاب این شیوه باعث کارآمدی بیشتر داوری و صرفه‌جویی در هزینه‌ها خواهد شد؛ چراکه تعداد داوران و در نتیجه هزینه‌های داوری ارتباط مستقیمی با مبلغ اختلاف و مقدار پیچیدگی آن خواهد داشت. فارغ از انتخاب یک یا سه داور، طرفین ممکن است نحوه‌ی انتخاب را مسکوت گذاشته و موضوع را به قانون داوری منتخب واگذار کنند. همچنین ممکن است روشی خاص برای انتخاب داوران پیش‌بینی شود. مقررات انتخاب داور در قوانین مختلف داوری متفاوت است. مثلاً طبق ماده‌ی ۱۲- قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، هر یک از طرفین باید به ترتیب در درخواست و پاسخ، یک داور برای تأیید معرفی نمایند. اگر هر یک از طرفین در معرفی داور قصور ورزد، انتصاب داور از سوی دیوان انجام می‌شود. ماده‌ی ۹- قواعد داوری آنسیترال مقرر می‌دارد که هر طرف باید یک داور تعیین نماید و دو داور تعیین شده باید داور سوم را که داور یا رئیس دیوان داوری است انتخاب کنند. اگر ظرف سی روز از تاریخ دریافت انتخاب یک داور، طرف دیگر داور خود را انتخاب نکند یا به اطلاع طرف مقابل نرساند طرف اول می‌تواند از مقام ناصب درخواست تعیین داور دوم کند.

طرفین ممکن است بر روشی متفاوت از قانون منتخب برای انتخاب داوران توافق کنند. رایج‌ترین سازوکار قراردادی برای تشکیل دیوان داوری، انتخاب داور توسط هر یک از طرفین اختلاف و انتخاب داور سوم توسط داوران منتخب است. این روش به طرفین اجازه می‌دهد که بیشترین تأثیر را در انتخاب داوران داشته باشند. با وجود این موافقت‌نامه داوری نباید متضمن اسم شخص خاصی به عنوان داور باشد. زیرا ممکن است در زمان بروز اختلاف، داور قادر به انجام داوری نبوده یا با یکی از طرفین اختلاف تعارض منافع داشته یا با توجه به موضوع و ویژگی‌های اختلاف، شخص مناسبی برای رسیدگی نباشد. همچنین شرط داوری ممکن است متضمن نحوه‌ی انتخاب داوران و پیش‌بینی نتایج امتناع طرفین از انتخاب داوران باشد. اگر اختلاف به سازمان داوری ارجاع گردد موضوع خودداری

موافقت‌نامه‌های داوری بین‌المللی باید طرفین در خصوص زبان یا زبان‌هایی که روند داوری توسط آن(ها) انجام خواهد شد توافق کنند. در اغلب موارد زبان داوری و زبان قرارداد موضوع داوری یکسان است. زبان داوری بر انتخاب داوران نیز مؤثر است. داوران باید بر زبان داوری مسلط باشند؛ چراکه ضروری است اسناد، مدارک و اظهارات طرفین دعوا را متوجه شده و بر این اساس رأی صادر کنند. اگر طرفین تمایل داشته باشند داوری به زبانی متفاوت از اسناد و اظهارات شهود انجام شود باید موضوع را به صراحت در موافقت‌نامه‌ی داوری قید کنند. انتخاب زبانی که به گستردگی استفاده نمی‌شود باعث محدود شدن تعداد داوران واجد شرایط خواهد شد. مثلاً انتخاب داوران مسلط به زبان انگلیسی، فرانسه یا اسپانیایی نسبت به داورانی که مسلط به زبان اردو باشند آسان‌تر است. در صورت عدم انتخاب زبان داوری توسط طرفین، اغلب مقررات در داوری موردی تعیین زبان را بر عهده‌ی دیوان داوری قرار داده‌اند. همچنین در داوری سازمانی انتخاب زبان به داوران واگذار شده است. مثلاً ماده‌ی ۱۹ قواعد داوری آنسیترال تعیین زبان داوری را بر عهده‌ی داوران قرار داده است. ماده‌ی ۲۰ قواعد داوری اتاق بازرگانی نیز در این خصوص بیان می‌کند که: اگر طرفین در مورد زبان داوری به توافق نرسیده باشند مرجع داوری با توجه به تمامی اوضاع و احوال مربوطه که شامل زبان قرارداد می‌شود زبان یا زبان‌های داوری را تعیین خواهد کرد. با وجود این طبق ماده‌ی ۱۷ قواعد داوری دادگاه داوری بین‌المللی لندن در صورت عدم انتخاب زبان داوری توسط طرفین، زبان موافقت‌نامه‌ی داوری، زبان داوری خواهد بود. ممکن است در شرط داوری دو زبان به‌عنوان زبان‌های داوری انتخاب شود که این موضوع باعث تحمیل هزینه‌ی بیشتر به طرفین خواهد شد.

۸- قانون ماهوی قابل اجرا

قانون ماهوی^{۱۴} قانونی است که به استناد آن داوران در خصوص اختلافات اظهار نظر کرده و رأی صادر می‌کنند. مسأله‌ای که در داوری‌های بین‌المللی وجود دارد اینست که طرفین برای تعیین حقوق و تکالیف ماهوی باید چه قانونی را به کار بندند؟ به‌طور کلی طرفین قرارداد باید قانون ماهوی قابل‌اجرایی در خصوص قرارداد تعیین کنند. بررسی آراء داوری نشان می‌دهد که داوران بی‌هیچ دخل و تصرف قابل‌توجهی قانون منتخب طرفین را اعمال می‌کنند. بررسی رویه‌ی

طرفین از انتخاب داور توسط سازمان منتخب پیگیری خواهد شد.

علاوه بر این موارد، طرفین می‌توانند ویژگی‌هایی را برای داوران در نظر گیرند. این ویژگی‌ها ممکن است در خصوص ملیت، توانایی‌های زبانی، مشخصات حرفه‌ای یا دانش خاص فنی باشد. بیان این قبیل ویژگی‌ها در مواردی مفید بوده اما اگر اختلافی پیش‌بینی نشده حادث شود توانایی‌های دیگری غیر از آنچه توافق شده مورد نیاز است که این امر موجب ناکارآمدی شرط داوری خواهد شد. علاوه بر این، طرفین باید به موضوع عدم وابستگی و بی‌طرفی داور(ان) پرداخته و نحوه‌ی سنجش این موضوع را در موافقت‌نامه‌ی داوری پیش‌بینی کنند.

۶- انتخاب مقام ناصب

مهم‌ترین عنصر در خصوص انتخاب دیوان داوری توافق بر مقام ناصب^{۱۳} مناسب است. نهاد داوری برخلاف دادگاه‌های ملی از توافق طرفین ایجاد می‌شود. اگر جهت اجرای جریان داوری طرفین نتوانند یا نخواهند به توافق برسند وجود یک مقام به‌نام مقام ناصب ضروری است؛ زیرا طرفین با انتخاب مقام ناصب در قراردادهای تأخیر در روند داوری جلوگیری کرده و آن را کارآمدتر می‌کنند. بنابراین در داوری‌های غیر سازمانی (موردی) باید طرفین نسبت به مقام ناصب توافق نمایند. سازمان‌های داوری بین‌المللی و منطقه‌ای تمایل دارند به‌عنوان مقام ناصب برای داوری‌های موردی اقدام کنند. در این موارد لازم است طرفین در خصوص توانایی و تمایل آنها جهت اقدام به‌عنوان مقام ناصب تحقیق کنند. برخی سازمان‌ها و مؤسسات، دانش انتخاب داوران مناسب را نداشته و ممکن است نسبت به مسئولیت آن آگاهی نداشته باشند. ماده‌ی ۶ قواعد داوری آنسیترال مقرر می‌دارد اگر طرفین قادر به توافق در خصوص به مقام ناصب نباشند دبیر کل دیوان داوری بین‌المللی لاهه به درخواست هر یک از طرفین اقدام به تعیین مقام ناصب خواهد کرد.

۷- زبان داوری

در ابتدا به‌نظر می‌رسد که زبان داوری هیچ مسأله‌ی مهمی را ایجاد نمی‌کند. با وجود این زبان داوری آثار عملی و اهمیت زیادی دارد. مثلاً ممکن است زبان داوری هزینه‌های قابل‌توجهی جهت ترجمه‌ی حقوقی برای طرفین ایجاد کند. در

بر روند داوری و همچنین بررسی و ابطال رأی حاکم خواهد بود. در مواردی که قانون یک کشور خاص در بردارنده‌ی آئینی است که طرفین تمایل دارند در روند داوری خود از آن بهره‌گیرند، بهتر است جهت جلوگیری از ایجاد تعارض به‌جای انتخاب قانون داوری بیگانه در خصوص آیین مورد نظر توافق کنند.

۱۰- مدت زمان داوری

جهت تسریع در روند حل و فصل اختلاف ممکن است طرفین یک برنامه‌ی زمان‌بندی برای صدور رأی پیش‌بینی کنند. بر مبنای این شرط، طرفین می‌توانند داوران را موظف به صدور رأی در زمانی معین کنند. مثلاً سی روز از زمان خاتمه‌ی استماع دعوا. درج این شرط خطراتی دارد. مثلاً ممکن است در مدت زمان توافق شده داوران به دلایلی از قبیل بیماری و... موفق به صدور رأی نشوند. در این فرض لازم است راهکارهایی جهت افزایش مدت زمان مندرج در شرط پیش‌بینی شود. انقضای مدت زمان توافق شده موجب عدم صلاحیت داوران خواهد شد. این موضوع باعث از دست رفتن هزینه توسط طرفین خواهد شد. در این قبیل موارد طرفین باید دوباره در خصوص داوری، صلاحیت داوران و ... توافق کنند.

۱۱- محرمانگی

برخلاف باور عمومی، داوری محرمانه نیست و طرفینی که می‌خواهند از محرمانگی^{۱۶} مطمئن شوند باید این موضوع را در موافقت‌نامه‌ی داوری درج کنند. اغلب قوانین داوری هیچ‌گونه الزامی نسبت به محرمانگی ندارند. مثلاً طبق رأی دادگاه عالی سوئد طرفین می‌توانند اقدام به انتشار رأی داوری خود کنند. از سوی دیگر طرفین ممکن است تمایل داشته باشند شرط محرمانگی را در خصوص قواعد داوری سازمان‌های داوری نیز تسری دهند؛ چراکه این مقررات به‌اندازه‌ی کافی جامع نبوده و فاقد کارایی لازم جهت حمایت از طرفین دعوا هستند. این دسته از مقررات تنها ناظر بر سازمان‌های داوری هستند و ممکن است آراء از طریق اقدامات یک‌جانبه افشاء شوند. بنابراین اگر طرفین بخواهند در مقابل این قبیل اقدامات از خود محافظت کنند باید در موافقت‌نامه‌ی داوری در این خصوص توافق کنند.

۱۲- نهایی بودن رأی داوری

از جمله مزایای داوری یک‌مرحله‌ای بودن آنست که طرفین

داوری‌ها نشان می‌دهد که در هیچ رأی داوری، قانونی که از سوی طرفین به‌عنوان قانون حاکم تصریح شده به علت عدم ارتباط با قرارداد کنار گذاشته نشده است [۲]. جهت جلوگیری از ایجاد ابهام در این موضوع که آیا قانون ماهوی منتخب در خصوص فرآیند داوری نیز حاکم است یا خیر، بهتر است قانون ماهوی در شرط مجزائی قید شود.

در قراردادهای بین‌المللی انرژی جهت جلوگیری از عدم توافق و مسکوت ماندن موضوع، بهتر است طرفین قانون ماهوی را به ورای قانون محلی یک کشور خاص (مثلاً حقوق عرفی نفت^{۱۵}) تعمیم دهند. در برخی قراردادهای جمله قراردادهای منعقد شده بین شرکت‌های دولتی و شرکت‌های نفتی بین‌المللی یک طرف (طرف دولتی) در خصوص حکومت قانون ملی خود بر قرارداد پافشاری می‌کند. تعیین اصول عرفی مثل حقوق عرفی نفت نه‌تنها با نیازهای صنعت نفت و قراردادهای منعقد شده در این حوزه هماهنگ است بلکه داوران، سایر اصول حقوق بین‌الملل عرفی مثل حسن‌نیت و جبران خسارت کامل را نیز در تصمیماتشان در نظر خواهند گرفت.

۹- قانون حاکم بر آئین و فرآیند داوری

مقررات شکلی حاکم بر داوری مقرراتی هستند که ناظر بر نحوه‌ی رسیدگی و آئین داوری بوده و تنظیم‌کننده‌ی فرآیند انجام داوری هستند [۷]. در تعیین قانون حاکم بر آئین داوری مانند دیگر موارد در هر حال اولویت با قانون حاکمیت اراده است [۲]. با توجه به برگزاری داوری در مقر یک کشور بهتر است قانون حاکم بر آئین و فرآیند داوری با قانون کشور مقر داوری یکسان باشد. انتخاب قانونی غیر از قانون مقر داوری امکان‌پذیر است اما مقررات مزبور نباید قوانین امری مقر داوری را نقض کنند. بنابراین در تنظیم شرط یا موافقت‌نامه‌ی داوری ضروری است طرفین با در نظر گرفتن این موضوع قانون حاکم بر آئین و فرآیند داوری را تعیین کنند.

با وجود این باید بین رویه‌ی برگزاری داوری و الزامات آئینی قوانین ملی مرتبط با داوری تمایز قائل شد. قوانین داوری ملی توسعه‌یافته به‌صورت کلی چگونگی اجرای داوری را در اختیار طرفین و داوران قرار می‌دهند. اگر طرفین از انتخاب رویه‌ی داوری خودداری کنند قوانین ملی بر روند داوری اعمال خواهند شد. همچنین ممکن است طرفین قانون آئینی دیگری غیر از قانون مقر را بر داوری حاکم کنند. در این مورد قانون منتخب طرفین

باشد. طبق بند-۲ این ماده، دیوان داوری در رأی نهایی خود یا در هر رأی دیگری که مناسب بداند به عنوان تصمیم بر تسهیم هزینه‌ها معین خواهد کرد که کدام طرف چه مبلغی را به طرف دیگر بپردازد [۱۱].

۱۵- درج شرط حل و فصل اختلاف چندمرحله‌ای

امروزه درج شرط حل و فصل اختلاف چندمرحله‌ای در قراردادهای بین‌المللی در حال گسترش است. در این شروط طرفین توافق می‌کنند قبل از ارجاع موضوع به داوری اختلافات خود را از طریق روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف^{۱۱} خاتمه دهند. در این راستا طرفین می‌توانند در خصوص روش‌های مختلف توافق کنند. رایج‌ترین این روش‌ها مذاکره^{۲۰}، سازش^{۲۱} و میانجی‌گری^{۲۲} است. روش‌های توافق شده توسط طرفین باید دربردارنده‌ی مسیری شفاف به داوری باشد. فرض اینست که طرفین قصد کرده‌اند روند پیش‌بینی شده در شرط یا موافقت‌نامه به عنوان پیش‌شرط داوری باشد. اجرا نشدن الزامات مندرج در شرط حل و فصل اختلاف مانع از انجام داوری شده یا در فرض صدور رأی به دلیل عدم رعایت صلاحیت سبب به مخاطره انداختن تأیید یا اجرای رأی خواهد شد. هر یک از مراحل پیش‌بینی شده در این قبیل شروط باید نقطه‌ی شروع و پایان مشخص داشته باشد. به بیان ساده، موافقت‌نامه‌ی داوری باید نقطه‌ی خاتمه‌ی هر مرحله را به‌نحوی پیش‌بینی کند که پس از آن مرحله‌ی بعدی حل و فصل اختلاف آغاز شود. در این قبیل موارد لازم است بازه‌ی زمانی به‌عنوان شرط ورود به مرحله‌ی بعد در نظر گرفته شود. زیرا در صورت پیش‌بینی تعداد جلسات برگزار شده به‌عنوان پیش‌شرط، طرف متمرّد می‌تواند با خودداری از حضور به موقع در جلسات از حدوث مرحله‌ی بعد جلوگیری کند.

موافقت‌نامه‌های حل و فصل اختلافات مثل سایر قراردادها مشروط به رعایت حسن‌نیت از سوی طرفین است (مذاکره‌ی همراه با حسن‌نیت یعنی جستجوی مجدّانه‌ی روش‌های توافق، تلاش برای سازش منافع متضاد، و ابراز خلوص نیت برای دستیابی به نتیجه). بنابراین هنگامی که یکی از طرفین موافقت می‌کند به‌صورت دوسستانه در مذاکره، میانجی‌گری یا سازش شرکت کند موظف است با حسن‌نیت در این روند حضور یابد [۱۴].

باید در موافقت‌نامه داوری متذکر شوند که رأی داوری نهایی^{۱۲} است. این شرط ممکن است در عمل فاقد هرگونه ارزش ماهوی باشد. در واقع در برخی موارد، مقررات ملی این قبیل موافقت‌نامه‌ها را ممنوع می‌کنند.

۱۳- مصونیت حاکمیتی

از آنجا که در اغلب قراردادهای منعقد شده در حوزه‌ی انرژی و نفت و گاز یک طرف قرارداد دولت یا شرکت‌های دولتی هستند در زمان تهیه‌ی موافقت‌نامه‌ی داوری، طرف خصوصی باید از طرف دولتی درخواست کند که از مصونیت^{۱۸} خود اعراض نماید. در این حالت ضروری است اعراض از مصونیت قضایی و اجرای رأی باشد (مصونیت قضایی بدین معناست که نمایندگان سیاسی خارجی را نمی‌توان به دادگاه جزایی احضار یا به دادگاه حقوقی دعوت کرد و مصونیت اجرایی بدین معناست که حکم دادگاه جزایی علیه شخص حقیقی نماینده‌ی دولت خارجی مقیم در کشور دیگر قابل اجرا نیست. همین حکم در مورد اموال دولت خارجی و اموال شخص حقیقی نماینده‌ی دولت خارجی نیز صادق است [۱۵]). اعراض از مصونیت قضایی متضمن پذیرش اقدام‌های اجرایی یا اعراض از مصونیت اجرا نیست. بدین ترتیب دادگاه ممکن است تصمیم بگیرد در یک دعوا بر مبنای خاصی از قبیل ماهیت تجاری فعالیت یا رضایت دولت خارجی اعمال صلاحیت نماید. اما برای اجرای حکم صادره باید دوباره صلاحیت خود را بررسی کند [۱۶]. مطابق قوانین بسیاری از کشورها انعقاد قرارداد تجاری موجب انصراف از حقوق حاکمیتی نمی‌شود.

۱۴- هزینه‌ها

معمولاً محکوم‌علیه در صورت پرهیز از اجرای رأی متحمل هزینه‌ی اجرا می‌شود. با وجود این بهتر است مقرر شود طرفی که در مقابل اجرای رأی مقاومت می‌کند متحمل هزینه‌ی اجرا گردد. برای اطمینان از این موضوع ممکن است طرفین تضمینی در قالب ضمانت‌نامه‌ی بانکی یا سپرده در حساب امانی پیش‌بینی کنند. طبق ماده‌ی-۴۲ قواعد داوری آنسیترال، هزینه‌ی داوری بر عهده‌ی طرف بازنده‌ی دعوا یا محکوم‌علیه خواهد بود. با وجود این دیوان داوری می‌تواند اقدام به تسهیم و تقسیم هزینه‌ها میان طرفین داوری کند؛ به شرط آنکه این تقسیم با در نظر گرفتن اوضاع و احوال پرونده، متعارف و عقلایی

۱۵-۱- مذاکره

انتخاب سازش دهنده/میانجی گر ضروری است طرفین راه‌حلی جایگزین برای فرض عدم توافق طرفین پیش‌بینی کنند. شرط نباید متضمن اسم شخص خاصی به‌عنوان سازش دهنده/میانجی گر باشد. این شرط باید دربردارنده‌ی زمان، محل انجام و محرمانه بودن اطلاعات و روند سازش و میانجی‌گری باشد. در تنظیم این شرط طرفین باید به صراحت متذکر این موضوع شوند که شرط سازش و میانجی‌گری اختیاری بوده یا به‌عنوان پیش‌شرطی برای آغاز داوری است.

۱۵-۳- تعیین کارشناس

قراردادهای حوزه‌ی نفت و گاز ابعاد فنی پیچیده‌ای دارند. طرفین این قراردادها برای حل و فصل اختلافات ناشی از مسائل فنی ترجیح می‌دهند از خدمات کارشناسان این حوزه استفاده کنند. در این مورد نیز باید شرایط و نحوه‌ی انتخاب کارشناسان مورد توافق طرفین قرار گیرد. همچنین تعیین مواردی که کارشناس باید در خصوص آنها اظهار نظر کند بسیار مهم و با اهمیت است. با توجه به امکان عدم توافق طرفین در تعیین کارشناس لازم است رویه‌ی انتخاب کارشناس در قرارداد درج شود. همچنین بهتر است این رویه دربردارنده‌ی امکان انتخاب کارشناس از طریق شخصی ثالث نیز باشد. طرفین باید در خصوص این موضوع که آیا کارشناسی الزام‌آور است یا خیر نیز توافق کنند. علاوه بر این باید پیش‌بینی شود که خودداری هر یک از طرفین از پذیرش نظر کارشناس چه عواقبی دربر خواهد داشت. اگر طرفین توافق کنند که نظر کارشناس غیرالزام‌آور باشد باید نسبت به این نیز موضوع توافق کنند که چه مواردی باید به مرحله‌ی الزام‌آور بعدی اعم از داوری یا دادگاه ارائه شود.

نتیجه‌گیری

داوری به‌عنوان ابزار حل و فصل اختلافات مزایای فراوانی دارد. با وجود این طرفین دعوا و وکلای آنها از اهمیت تنظیم مناسب این شروط آگاه نیستند. در قراردادهای حوزه‌ی نفت و گاز با توجه به پیچیدگی اختلافات و ارزش آنها لازم است طرفین نسبت به موارد مختلفی که ممکن است در زمان اختلاف بروز کند توجه داشته باشند و در این خصوص پیش‌بینی‌های لازم را انجام دهند. در این موارد تنظیم‌کننده‌ی شرط حل و فصل اختلاف باید قوانین و

مذاکره ساده‌ترین روش جایگزین حل و فصل اختلافات است که از طریق گفتگو و تماس‌های مستقیم انجام می‌شود. طرفین با استفاده از این روش درصدد حل اختلافات خود بدون مداخله‌ی شخص ثالث به‌عنوان تسهیل‌کننده هستند. این فرآیند بعضی از نویسندگان آنرا به‌عنوان ارتباطات رفت و آمدی یا رودرو تعریف کرده‌اند که جهت حصول توافق میان دو طرف (یا بیشتر) که برخی منافع مشترک و برخی منافع متعارض و متفاوت دارند طراحی شده است [۴]. هیچ شرکت نفتی داوری را بدون تلاش اولیه جهت حل و فصل اختلاف آغاز نخواهد کرد. از سوی دیگر هیچ مانعی برای مذاکرات طرفین جهت حل و فصل اختلافات وجود ندارد. با این وجود درج شرط مذاکره، تمامی طرف‌های قرارداد را ملزم به مذاکره با حسن‌نیت، قبل از شدت گرفتن اختلافات می‌کند. موضوعی مهمی که علاوه بر نقطه‌ی آغاز و پایان روند مذاکرات باید مورد توجه قرار گیرد تعیین اشخاصی است که می‌توانند در جلسات حضور یابند. مثلاً ممکن است مذاکرات طرفین توسط نمایندگان تا جایی هدایت و راهبری شود که اشخاص دارای اختیار مصالحه در مذاکرات شرکت کنند.

۱۵-۲- سازش و میانجی‌گری

در شرط حل و فصل اختلاف ممکن است تصریح شود که در صورت ناموفق بودن مذاکره، اختلاف باید از طریق سازش و میانجی‌گری یا مستقیماً از طریق داوری پیگیری شود. سازش و میانجی‌گری روشی است که طرفین اختلاف با پادرمیانی و مساعدت شخص ثالث مشکلات و اختلافات موجود را حل و فصل می‌کنند. مهم‌ترین مشخصه‌ی این روش دخالت، وساطت و مساعدت شخص یا اشخاص ثالث در انجام مذاکرات بین طرفین اختلاف است [۷]. شرط سازش و میانجی‌گری باید دربردارنده‌ی جزئیات روند سازش و میانجی‌گری و الزامات طرفین در این خصوص باشد. صرف توافق طرفین مبنی بر انجام میانجی‌گری یا سازش به‌عنوان پیش‌شرط داوری کافی نخواهد بود. طرفین ممکن است از قواعد آئینی موردی استفاده کرده یا قواعد سازش و میانجی‌گری تهیه شده توسط سایر سازمان‌ها را به‌کار گیرند. اگر طرفین میانجی‌گری یا سازش موردی را انتخاب کنند لازم است شرط سازش یا میانجی‌گری متضمن نحوه‌ی انتخاب میانجی‌گر نیز باشد. همچنین جهت جلوگیری از بن‌بست در

مصونیت حاکمیتی، هزینه‌ها، درج شرط حل و فصل اختلاف چندمرحله‌ای توافق کنند. با وجود این برخی مواقع مشکل است که تمامی موارد در شرط حل و فصل اختلاف درج شود. در این فرض طرفین باید نسبت به مشکلات بالقوه‌ی ناشی از عدم درج هر یک از موارد آگاه بوده و تلاش کنند موضوعاتی که اهمیت بیشتری دارند در شرط قید گردد. همچنین درج شروط جایگزین حل و فصل اختلاف مثل مذاکره، میانجی‌گری، سازش در قرارداد مفید است اما این شروط نباید به‌نحو تنظیم شوند که با شرط داوری تعارض داشته و مانع عملکرد این شرط شوند. ■

مقررات قابل اجرا را بررسی کرده و موارد مربوط به اختلافات را به‌نحو شایسته‌ای مورد توجه قرار دهند. در مواردی که قانون منتخب دربرگیرنده‌ی شروط مورد نظر طرفین است صرف ارجاع به آن کفایت می‌کند.

همان‌گونه که بیان شد زمان تنظیم شرط حل و فصل اختلافات طرفین باید در خصوص توافق ارجاع اختلاف به داوری، قلمرو شرط داوری، داوری موردی یا سازمانی، مقر داوری، تعداد و شیوه‌ی انتخاب داوران، انتخاب مقام ناصب، زبان داوری، قانون ماهوی قابل اجرا، قانون حاکم بر آئین و فرآیند داوری، مدت زمان داوری، نهایی بودن رأی داوری،

پانویس‌ها

- | | |
|--|------------------------------------|
| 1. faridehshabani@gmail.com | Arbitral Awards |
| 2. American Arbitration Association | 13. Appointing Authority |
| 3. International Chamber Of Commerce | 14. Substantive Law |
| 4. International Centre for Settlement of Investment Disputes. | 15. Lex Petrolea |
| 5. International Centre for Energy Arbitration | 16. Confidentiality |
| 6. Broad Clause | 17. Finality |
| 7. Narrow Clause | 18. Immunity |
| 8. The London Court of International Arbitration (LCIA) | 19. Alternative Dispute Resolution |
| 9. Ad hoc Arbitration | 20. Negotiation |
| 10. Institutional Arbitration | 21. Conciliation |
| 11. Seat of Arbitration | 22. Mediation |
| 12. The Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign | |

منابع

- [۱] انصاری معین، پرویز، قواعد بازرگانی شده داوری آنسیترال، چاپ اول، تهران: نشر میزان زمستان ۱۳۸۹.
- [۲] جنیدی، لعیا، قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، بهار ۱۳۷۶.
- [۳] جنیدی، لعیا، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، چاپ دوم، تهران: نشر شهر دانش، ۱۳۸۷.
- [۴] درویشی هویدا، یوسف، شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان، پاییز ۱۳۸۸.
- [۵] خزاعی، حسین، مصونیت اجرایی دولت و سازمان مستقل بین‌المللی در مقابل آرای داوری (تفسیر یک رأی داوری) مجله حقوقی، ۳۴(۱۳۸۵): ۹-۳۲.
- [۶] خضری، سید مرتضی، مصونیت از دیدگاه حقوق بین‌الملل، پژوهش‌نامه اندیشه‌ی حقوقی ۳ (۱۳۹۱): ۱۴۶-۱۱۳.
- [۷] شیروی، عبدالحسین، داوری تجاری بین‌المللی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، زمستان ۱۳۹۱.
- [۸] معصومی، پندار، قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی و روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف ویژه‌نامه حقوقی بین‌المللی ۴۶ (۱۳۹۱) ۳۴۰-۳۰۱.
- [۹] نیکبخت، حمیدرضا داوری تجاری بین‌المللی آیین داوری، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۸.
- [10] Ball, Markham, "Just Do It: Drafting the Arbitration Clause in an International Agreement", 10 Journal of International Arbitration 29 (1993): 2944-.
- [11] C. Ulmer, Nicholas "Drafting The International Arbitration Clause", 20 International Law. (1986) 13351350-.
- [12] Dillenz, Oliver, "Drafting International Commercial Arbitration Clauses" 21 Suffolk Transnational Law Review. (1997) 250-221 1998-.
- [13] Hunter, Martin, "Achievements of the Intention of the Parties: Arbitration Agreements and the First Procedural Steps in International Arbitration", Journal of the Institute of Arbitrators: Arbitration 48, (1982) P 214.
- [14] Bernardo M. Cremades, "Good Faith in International Arbitration". American University International Law Review 27 no. 4 (2012): 761-789.
- [15] Oehmke, Thomas International Arbitration, 1ED New York: Clark Boardman Callaghan, 1990.
- [16] Peter, Wolfgan. Arbitration and Renegotiation of International Investment Agreements: Second Revised and Enlarged Edition, London, Kluwer Law International, 1995.
- [17] Working Group on the ICC Standard Arbitration Clause, Final Report of 3 March 1992.
- [18] www.adr.org
- [19] www.vilniausarbitrazas.lt
- [20] Nicholas C. Ulmer, "Drafting the International Arbitration Clause", (20 international Law . 1335) (1986) P 46.
- [21] See Working Group on the ICC Standard Arbitration Clause, (Final Report of 3 March 1992, Doc Nil llo 420318/).
- [22] Martin Hunter, Achievements of the Intention of the Parties: Arbitration Agreements and the First Procedural Steps in International Arbitration, (Journal of the Institute of Arbitrators: Arbitration 48, (1982) P 214.
- [23] Thomas Oehmke, International Arbitration, (Clark Boardman Callaghan, (1990) (P 49).